

تجربه ناآشنای آشنایی

«میکل آنجلو پیستلئو» هنرمند عجیبی است، شاید هم بهتر باشد بگوییم مثل همه هنرمندها خاص و منحصر به فرد است.



171#میکل آنجلو پیستلئو» هنرمند عجیبی است، شاید هم بهتر باشد بگوییم مثل همه هنرمندها خاص و منحصر به فرد است.

تابه حال کارهای زیادی در زمینه‌هایی متفاوت انجام داده؛ با لباس‌های کهنه و بی‌مصرف مجسمه درست کرده، همین‌طور با شمع و آجر، مجموعه‌ای از کارهای نمایشی و اجرایی داشته، طراحی لباس کرده و در کنار کارهای متفاوت دیگرش مجموعه‌ای نقاشی هم دارد که آن قدر شبیه واقعیت‌اند که به عکس می‌مانند. همیشه هم آدم‌ها در کارهایش حضور داشته یا اصلاً موضوع کارهایش آدم‌ها بوده‌اند. اثری هم که در تصویر می‌بینید یکی از همین کارهاست؛ یک ⅱ؛لایبرنت» یا فضای تودرتو که از ورقه مقوا درست شده و بیننده‌ها می‌توانند وارد آن بشوند، در راهروهای پر پیچ‌وخمش راه بروند و احساس‌هایی را تجربه کنند یا شناخت‌های تازه‌ای از خودشان و از زندگی به‌دست بیاورند.

شاید خیلی از کسانی که در این لایبرنت راه می‌روند احساس کنند که این کار درست مثل خود زندگی است، این‌که آدم باید در میان راه‌های پر پیچ‌وخم، راه خودش را پیدا کند و نگذارد سردرگم شود. یا ممکن است بعضی‌ها یاد زمانی بیفتند که تلاش می‌کرده‌اند گری را باز کنند که در ارتباط با یک دوست، با پدر، یک هم‌کلاسی یا هر کس دیگری به وجود آمده بود. شاید هم یاد خودشان بیفتند، یاد دنیای درون خودشان که هرچه قدر هم که آن را می‌شناسند و به آن نزدیک می‌شوند، باز هم ناشناخته‌های زیادی در آن پیدا می‌کنند و... خلاصه این که هر کسی می‌تواند در ارتباط با این اثر، تجربه‌ای کاملاً متفاوت و منحصر به فرد داشته باشد.

حتی می‌تواند در زمان‌های مختلف با همین اثر تجربه‌های متفاوتی داشته باشد، امروز یک تجربه و مثلاً پنج سال دیگر -وقتی در جایی دیگر با این اثر برخورد می‌کند- مفهوم یا احساسی کاملاً متفاوت را تجربه کند.

آخر این اثر را پیستلئو بارها و بارها در جاها و موقعیت‌های مختلف به نمایش درآورده. برای اولین بار سال ۱۹۶۹ میلادی، یعنی ۴۲ سال پیش، تا به امروز که در یکی از غرفه‌های کلاه‌فرنگی تابستانی نمایشگاه ⅱ؛سرپنتاین» انگلستان به‌نمایش درآمده. این اثر پیستلئو هم دقیقاً ویژگی خود آدم‌ها را دارد؛ این که ما آنها را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌بینیم و به‌نظرمان می‌آید که دقیقاً همان آدمی را می‌بینیم که قبلاً دیده بودیم. اما اگر دقت کنیم می‌بینیم که هر بار دیدن یک آدم آشنا می‌تواند تجربه‌ای کاملاً تازه و ناآشنا باشد.